

من مقصر نیستم فریب خوردم ...

۳ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۰:۰۱

محمد علی سفری در کتاب قلم و سیاست می نویسد : آخرین باری که فروغی در زمان رضا شاه نخست وزیر شد و رضا شاه از رفتنش از ایران توسط انگلیسی ها مطمئن شده بود دختر فروغی که همسرش توسط رضا شاه به زندان افتاده بود پیش پدر آمد و با خوشحالی گفت هم اکنون همسرم از زندان آزاد میشود . او از پدر خواست که نسبت به آزادی شوهرش علی اکبر خان اسدی و سایر برادران که در زندان بیرجند در شرایط نامساعد به سر می بردند اقدام کند . فروغی گفت : نظیر داماد من عده ی زیادی در زندان هستند باید برای همه آنها فکری کرد

در ستون استتوس تاریخی مطلبی در مورد فروغی نوشتم بد نیست برای قضاوت عادلانه تر بخش دیگری از زندگی فروغی را نیز تماشا کنیم . محمد علی سفری در کتاب قلم و سیاست می نویسد : آخرین باری که فروغی در زمان رضا شاه نخست وزیر شد و رضا شاه از رفتنش از ایران توسط انگلیسی ها مطمئن شده بود دختر فروغی که همسرش توسط رضا شاه به زندان افتاده بود پیش پدر آمد و با خوشحالی گفت هم اکنون همسرم از زندان آزاد میشود . او از پدر خواست که نسبت به آزادی شوهرش علی اکبر خان اسدی و سایر برادران که در زندان بیرجند در شرایط نامساعد به سر می بردند اقدام کند . فروغی گفت : نظیر داماد من عده ی زیادی در زندان هستند باید برای همه آنها فکری کرد .



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
www.itchs.org

از شنیدن سخنان فروغی چهره دختر در هم شد و حالت تاثر به او دست داد ، فروغی که به شدت فرزند دوست بود با لحن ملایمی دختر را نصیحت و نوازش کرد و گفت شش سال صبر کردید شش روز دیگر هم صبر کنید همه کارها درست می شود . در این موقع برادر فروغی که در جمع حاضر بود حالش متغیر شد و با وجود احترام فوق العاده ای که برای فروغی قائل بود با صدای لرزان و عصبانی خطاب به فروغی گفت : داداش شما هم در بوجود آوردن این اوضاع خفقان آور مقصرید . زیر بنای این ساختمان جهنمی را شما و چند نفر بنا کردید . حالا دختر خودتان پاداش خدمات شما را دریافت می کند . پدرم با مهربانی جواب داد : من مقصر نیستم ولی گول خوردم . این مرد (رضا شاه) در ابتدای سلطنت دم از قانون می زد و می گفت همه کارها باید در پناه قانون باشد . نباید کسی کار غیر قانونی انجام دهد . حالا فهمیدم که آن گفته ها و تظاهرات برای اغفال بنده و امثال من بوده است . در این موقع پدرم برخاست و به سمت کتابخانه رفت . دیوان حافظ را برداشت و تغال زد و با خوشحالی گفت این وضع بیشتر از یک سال دوام نخواهد آورد . بعد داستانهایی از تاریخ ایران و جهان درباره دیکتاتورها بیان کرد و تا حدی حالت تاثری که در همه بوجود آمده بود برطرف گردید .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/22212/خوردم-فريڊ-نيستم-مقصر>